

گلزار

Golzaar

جانان نوذری

Janan Nozari

۲۳ آذر تا ۵ دی ۱۴۰۳

Dec 13-25, 2024

گالری بُستان

Bostan Art Gallery

خیابان مطهری - خیابان لارستان

نبش خیابان بیست و دو - پلاک ۷۱

No.71, Larestan St., Motahari Ave

گالری دوشنبه ها تعطیل است

BOSTAN
Art Gallery

نزد قدما از اخلاط اربعه است، خون، مانند قطاری ست که پیوسته در رفت و آمد میان مبدأ و مقصد است و باید در تعادل کامل باشد. نشانه تعادل، رنگ و دمای متناسب با طبیعت درون است، سرخ در رگها جاری مانند قطار روی ریل، سروش زندگی است. سرخی نمادینش تا پیش از سرد شدن اعتبار دارد. کمتر عنصری در طبیعت جانداران به اندازه خون متغیرالحال است. خون ریخته، دلهره آورترین سکانسِ درامِ زندگی است. هیچ چیز به اندازه خون چنین استعاره دو سری نیست؛ ماده حیات و آیت ممات!

به قناره کشیدن خون، متوقف کردن زمان در مکان وقوع حادثه است. این بار به جای اینکه جاندار، گاه آکنده شود، خون که ماده حیات اوست و روزی در او سرد خواهد شد، در زمان متوقف شده و پیش از سرد شدن و تباهی تاکسیدرمی شده است.

خونی که می ریزد از هر جا و به هر دلیل - استعاره ای از به مخاطره افتادن جاودانگی و حیات ابدی است. وقتی خون را می بینیم زندگی برای لحظه ای به مخاطره می افتد، ما با تماشای غیر مترقبه نماد و نمود آتش وجود، بی درنگ به خاموشی فکر می کنیم.

پس آیا خون مدو ساست که نباید به آن نگاه کنیم؟
یک سرخ، پیش از آنکه سیاه و سرد شود بسان چشم اندازی از یک گلزار که مسلخ مذبوحان بیشماری بوده است به دیوار کشیده است.
این پرتره ای است از زندگی در چشم اندازی از مرغزارهای پرشور حیات.

این مذبوح که بعد از تسلیخ به قناره آویخته شده، قطعه قطعه یا جمله به فروش می رسد!

یک مسلخ است عالمی از دست و خنجرش
هر نیش خار، لخت دلی را قناره است.
رفیع واعظ

Among the ancients, it is one of the four humors, Blood; like a train perpetually traveling between origin and destination, must remain in perfect balance. The sign of this equilibrium is its hue and temperature, aligned with the inner nature. This crimson that courses through veins, akin to a train on its track, is the herald of life. Its symbolic redness holds its value only until it cools. Few elements in the living realm are as mercurial as blood. Spilled blood is the most unsettling scene in the drama of existence. Nothing embodies such a dual metaphor as blood: the substance of life and the testament of death!

Suspending blood on the slaughterhouse hook halts time at the site of the event. This time, instead of the creature being stuffed with straw, the blood—the essence of its life, destined to cool one day—is frozen in time, taxidermized before its inevitable decay and demise.

Blood that spills—no matter the place or cause—is a metaphor for jeopardizing eternity and eternal life. When we see blood, life momentarily teeters on the brink; in witnessing the unexpected symbol and manifestation of the fire of existence, we instinctively contemplate its extinguishment.

So, is blood Medusa we must not gaze upon?

A red, before it blackens and cools, like the view of a field once a slaughter ground for countless victims, is stretched upon the wall. This is a portrait of life within the panorama of vibrant meadows of existence.

This butchered being, now hung from the slaughterhouse hook, is sold in parts or as a whole.



Installation:

Golzaar

Embroidery on cotton

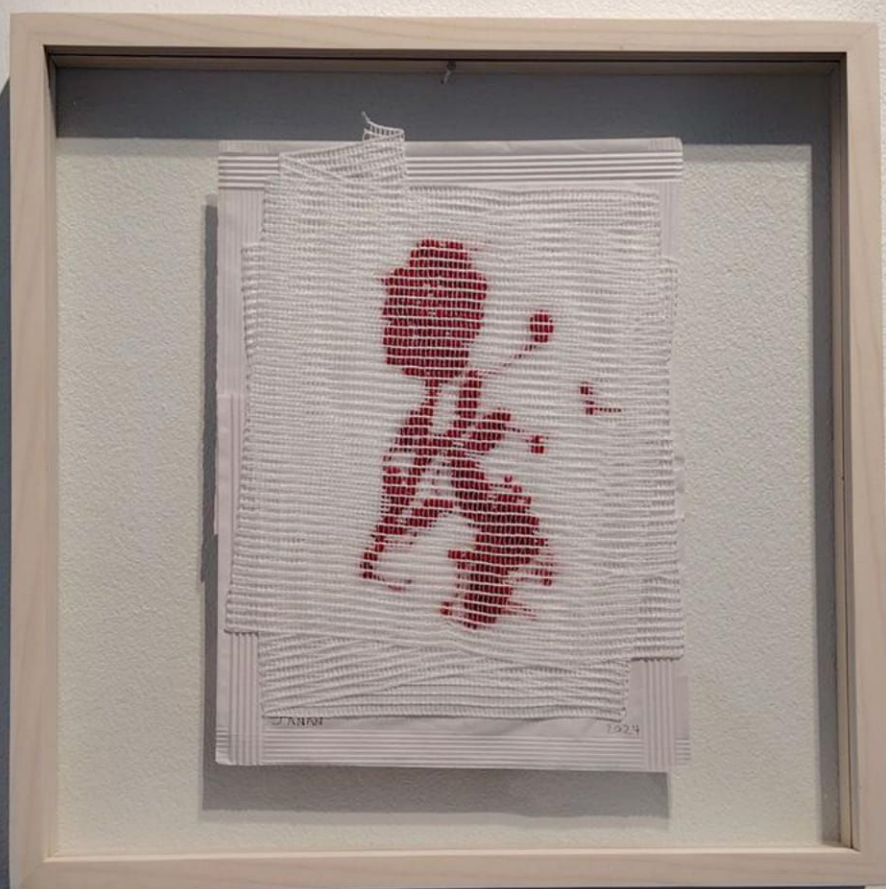
160×200 cm (consisting of 12 pieces with different dimensions)

2024





Untitled- 25 x 25 cm - Mixed media - 2024



Untitled- 25 x 25 cm - Mixed media - 2024



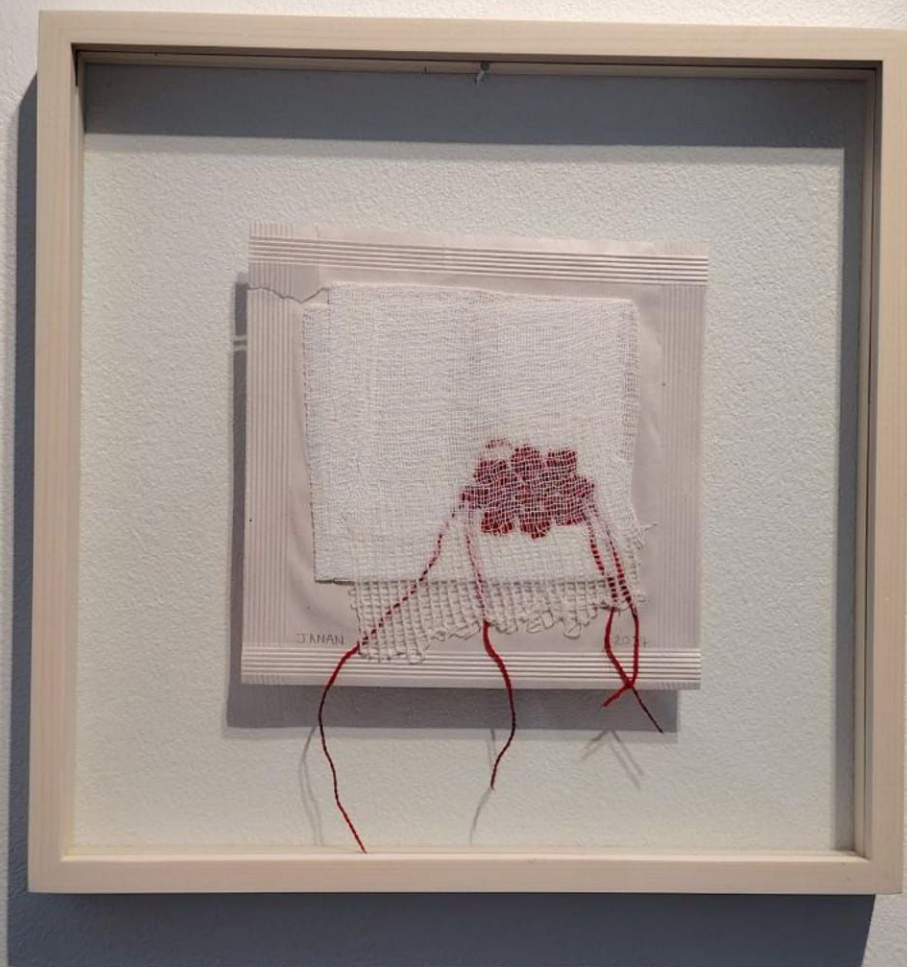
Untitled- 25 x 25 cm - Mixed media - 2024



Untitled- 25 x 25 cm - Mixed media - 2024



Untitled- 25 x 25 cm - Mixed media - 2024



Untitled- 25 x 25 cm - Mixed media - 2024



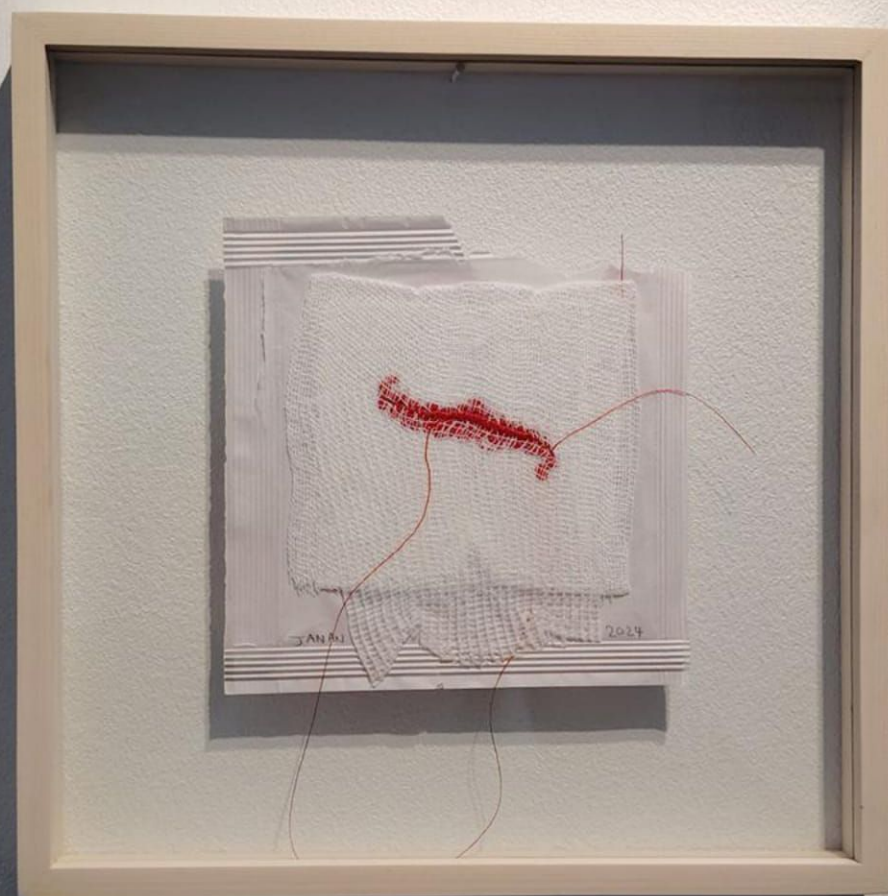
Untitled- 25 x 25 cm - Mixed media - 2024



Untitled- 25 x 25 cm - Mixed media - 2024



Untitled- 25 x 25 cm - Mixed media - 2024



Untitled- 25 x 25 cm - Mixed media - 2024



Tear - 10 x 5 cm - Embroidery on cotton - 2024



Untitled - 8.5 x 5 cm - polaroid photo - 2020



Untitled - 8.5 x 5 cm - polaroid photo - 2020







www.bostanartgallery.com